

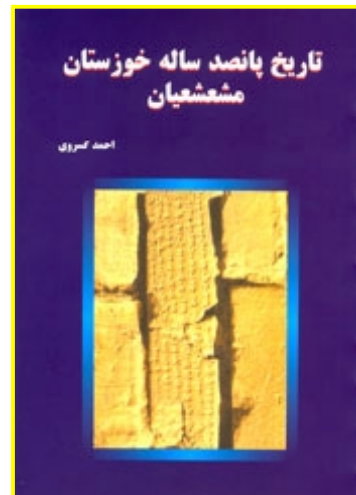
# از دروغ مشعشع تا فتنه شیخ خزعل

تاریخ پانصد ساله خوزستان (مشعشعیان)

احمد کسروی

انتشارات فروغ؛ آلمان ۱۳۸۲

چاپ چهارم کتاب «تاریخ پانصد ساله خوزستان» یک سال قبل از انقلاب اسلامی در تابستان ۱۳۵۶ توسط انتشارات گام در تهران به چاپ رسید. نخستین چاپ آن در خارج از کشور توسط انتشارات فروغ صورت گرفته است. چند سال پیش انتشارات مهر در کلن بخش نخست آن را که به تاریخ «مشعشعیان» مربوط است زیر همین عنوان منتشر کرده است. کتاب «مشعشعیان» دوباره حروف چینی شده و از همین رو برخی از اشکالاتی که در چاپ اصلی وجود دارد، در آن دیده نمی شود. کتابی که جدیداً از انتشارات فروغ در اختیار ما قرار گرفته است، از روی چاپ قدیمی افسست شده و گذشته از غلط های چاپی پر از موارد سر هم نویسی است که سالهاست در ایران منسوخ گشته و به همین دلیل خواننده را در خواندن کتاب دچار مشکل می کند. برای نمونه: «بیرایر آنشهر» همان «به برابر آن شهر» و «با جمال» همان «به اجمال» است! در عین حال اگر منظور از چاپ این نوع کتاب ها آشنایی ایرانیان و نسل جوان با این گونه آثار است، بهتر است ناشران علاوه بر حروف چینی دوباره که به بخش فنی کار باز می گردد، این آثار را برای ویرایش در اختیار افرادی بگذارند که در رشته مربوطه اطلاعات و



تخصص لازم را دارند و می توانند با توضیحات لازم در متن و یا پانویس و نیز ترجمه متون عربی بر بهره گیری خواننده بیافزایند. ویرایش کارشناسانه این نوع آثار هم نشان دهنده مسئولیت ناشران و هم سبب امتنان خوانندگان خواهد بود.

«تاریخ پانصد ساله خوزستان» دارای دو بخش اصلی «مشعشعیان» و «کعبیان» است. این کتاب تاریخ خوزستان را از قرن نهم هجری تا قرن حاضر در بر می گیرد. احمد کسروی خود در زمان شیخ خزعل در سال ۱۳۰۲ خورشیدی به خوزستان سفر کرده و بیش از یک سال در آنجا می ماند. او که شاهد فتنه جویی های شیخ خزعل بود به جستجو در تاریخ این منطقه می پردازد و در مقدمه ای کوتاه می نویسد: «در این جستجو ناگهان مردی را یافتم از شگفت ترین مردان دروغگویی [و] از بزرگترین دروغگویان [به نام] سید محمد مشعشع که در نیمه های نهم هجری به دعوی مهدی گری برخاسته و با کشتار و خونریزی این دعوی خود را پیش برده و به خوزستان دست یافته و بنیاد حکومتی گزارده و پسر او مولا علی دعوی خدایی نموده است و خاندان ایشان تا چند صد سال ریاست عشایر خوزستان را داشته اند تا از ایشان به کعبیان رسیده سپس نیز خاندان شیخ خزعل ریاست یافته اند».

کسروی پس از بازگشت به تهران با پشتکاری که ویژه او بود به جمع آوری اسناد و مدارک می پردازد. در این راه به «معمایی» بر می خورد که به نظر می رسد بدون حل آن «تاریخ پانصد ساله خوزستان» که وی قصد نوشتن آن را داشت، بی ارزش می ماند. کسروی در مورد این معما که همانا دعوی مهدیگری سید محمد و دعوی خدایی پسرش مولا علی است می نویسد: «سید محمد مذهب اثنا عشری داشته و به نام این مذهب بوده که با دیگران نبرد و کشاکش می کرده و چنان که می دانیم بنیاد مذهب اثنا عشری بر زنده و غایب بودن مهدی پسر امام حسن عسکری است و این که او روزی پدید آمده جهان را از داد و نیکی بر خواهد ساخت. پس از چه راهی بوده که سید محمد خود را مهدی خوانده و از چه راهی بوده که دوازده امامیان - دعوی او را پذیرفته اند؟!» دعوی خدایی پسر سید محمد مشعشع نیز با مذهب شیعه همخوانی ندارد. ولی کسروی کتاب و نوشته ای در این زمینه نمی یابد تا آنکه به نام «کلام المهدی» بر می خورد که گویا کتابی بوده که گفته های سید محمد مشعشع را در بر داشته است. سر انجام پس از چهار سال یکی از آشنایان کسروی به نسخه کهنه ای از این کتاب دست یافته و چون از جستجوی کسروی خبر داشت، آن را دست

نویسی کرده و برای وی می فرستند. کسروی در حالی که می نویسد: «این کتاب از شگفت ترین کتابهاست» به تفصیل به دعوی های سید محمد مشعشع پرداخته و در انتهای کتاب بخش های کوتاهی از افکار سید محمد مشعشع را که در کتاب «کلام المهدی» آمده و به زبان عربی است، می آورد. کسروی سید محمد مشعشع را «مردک نادان» می خواند و با آوردن نمونه ای از «سوره های» سید محمد به این موضوع نیز اشاره می کند که وی «گاهی نیز مشق قرآن سازی می کرده و سوره هایی مانند سوره های قرآن می ساخته».

از قرار معلوم سید محمد نیز مانند بسیاری از افرادی که ادعاهای مذهبی دارند، در عمل به هیچ اصل اخلاقی پای بند نبوده و برای رسیدن به هدف و یا نجات جان به راحتی حيله و دروغ به کار می بسته است. پس از دعوی مهدیگری، هنگامی که شیخ احمد بن فهد که استاد مشعشع بود به کافر بودن او حکم می نماید و به یکی از امرا می نویسد که او را بکشد «سید قرآن در آورده سوگند یاد کرد که من سید سنی صوفیم و از این جهت است که شیعیان با من دشمنی می ورزند و با این سوگند دروغ جان خود را آزاد ساخت».

احمد کسروی به زبانی شیرین به شرح عقاید و فرمانروایی مشعشعیان در بخش غربی خوزستان که آن زمان «عربستان» نامیده می شد می پردازد و کتاب را با سرکوب فتنه های شیخ خزعل در دوران «رییس الوزرا» (رضا شاه) که خود در جریان و شاهد آن بود به پایان می رساند.

«تاریخ پانصد ساله خوزستان» تنها تاریخ سیاسی و دست به دست شدن قدرت بین خاندان های مختلف در این منطقه نیست. احمد کسروی با پیگیری ویژه ای به جغرافیای منطقه نیز پرداخته و از شرح چگونگی شهرها و رودها و سدهای خوزستان به وقایع تاریخی و خاندان هایی که در این منطقه به روی کار آمدند نقب می زند. «تاریخ پانصد ساله خوزستان» مانند اغلب آثار احمد کسروی ارزشمند و خواندنی است.

ماه مه ۲۰۰۳